

چشمه	الز	۱۲
ارگان اتحاد چپ دمکراتیک ایران		
تیسر درناختل کشور		
شماره ۱۲ - دوم بهمن ۱۳۷۵		

فیسر مغنبا نه گسری سیک والینا دلینو به ایران

گسری سیک یکی از معروفترین و موثرترین اسنرا نویسن ها و سیاستگزارها ی محافل قدرتمند آمریکا و از طرفداران جدی بهبود روابط ایران و آمریکا و همچنین برخی از افراد هیئت تحریریه روزنامه " نیویورک تایمز " و جبهه خاص آنها ه خانم (الینا دلینو) سردبیر دبیرلما تیک روزنامه () و در آذرماه ۱۳۷۵ ه بدون سرومدا به ایران سفر کرده و با برخی از مقامات مشول کشور دیدا و مذاکره کرده اند ه کلاما مسلم است که در این دیدارها و مذاکرات به هیدوجه منافع ملی ه مصالح مهمه ه منافع مردم و حقوق اساسی آنها مورد توجه مذاکره کنندگان دینمایندگان محافل حکومتی ایران و آمریکا نبوده است ه هدف اصلی حکومتگران ایران ه جلب رضایت و کمک محافل قدرتمند اروپائی و بهویژه آمریکائی برای غلبه بر معضلات عمیق اقتصادی و سیاسی و امنیتی کشور و نلامی کشور در جهت حفظ و تدکیم حاکمیت استبدادی خود و ساختار ضد مردمی و ضد دمکراتیک موجود است ه دولت آمریکا نیز برای تثبیت و تدکیم سلطه اقتصادی و سیاسی و نلامی خود در منطقه خاور میانه و خلیج فارس و آسیای میانه و نیز استقرار سلطه مطلق و همه جانبه خود بر کشور ه حاضر به کمک و تقویت حاکمیت حتی راست ترین محافل ضد مردمی بر کشور ایران می باشد ه اما نهروهای دمکراتیک و ملی کشور راه نجات مهمه و رهائی مردم از استبداد و فقر و بی عدالتی و تاملین خواستهای عدالتجویانه و حقوق دمکراتیک در جامعه و تحقق دمکراسی ه حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی در کشور را در میارزه ای متحد ه متدکل آگاهانه ه و توده ای و مردمی ه برای گذارنالم و آرام از حکومت استبدادی دینی جمهوری اسلامی به حکومتی دمکراتیک ه فیردینی ه ملی و مردمی و تنهیر منیادین ساخت سلطه سرمایه داری تجاری انگلی کنونی ه میدانند ه ولی این میارزه را با اتکا ه به توده های مردم تداوم می بخشند و در این میارزه برای دولتهای خارجی هیدگونه حد دمالتی قائل نیستند و ولیفه خود میدانند که میارزه خود علیه حکومت استبدادی دینی راه موازات میارزه علیه سلطه الملی امپریالسم جهانی و مقابله با اقدامها و فعا رهای آنها برضد مردم و منافع ملی کشور گستردهند ه

در روز دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۵، دکترا احمد تغفلی کا رشناس ممتاز زبانهای باستانی - برنده جایزه " گریمن " فرهنگستان فرانسه - دکترا ی افتخاری شورای علمی دانشگاه دولتی سن پترزبورگ - معاون فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران - توسط يك گروه تروریستی ربوده می شود و به قتل می رسد. دکترا احمد تغفلی در روز دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۵، پس از اتمام يك جلسه بحث و تحقیق مربوط به زبان شناسی، در ساعت ۱ بعد از ظهر با اتومبیل شخصی خود و با همراهی دوتن از همکارانش به سمت منزل خود حرکت می کند. پس از آنکه وی همکار خود را در میدان تجریش باده می کند، به روی می گوید که بدلیل خستگی مستقیماً به سمت منزل خود حرکت می کند. در حالی که منزل دکترا احمد تغفلی در خیابان سعد آباد (نزدیک میدان تجریش) قرار دارد، در ساعت ۱۵ بعد، حد دکترا تغفلی در فاصله ۵ کیلومتر دورتر در بزرگراه بزرگ پیدا می شود. در حالیکه جمیع وی با میل (یا شئ - نگین دیگری) زکته شده و در کنار اتومبیل ر افتاده بود. شواهد نشان دهنده آن است که دکترا احمد تغفلی در يك برنامه از پیش تعیین شده و در حالی که تحت تعقیب کامل بوده است، پس از ترک همکارش در میدان تجریش، توسط يك اکیپ تروریستی بدون آنکه سرهنگ حامی را در محیط اطراف براهانگیزد، ربوده و به محلی در بزرگراه می شود و سپس به قتل می رسد.

اینکه چه گروه تروریستی و با کدام انگیزه و هدف معین دست به این کار زده است، به اطلاعات موثق تر و دقیق تری نیاز دارد.

(طعنات سیاسی)

مادر کمینست

هم بدرقه راه مقرر کند. سه سال و نیم پیش در دستوران میگویند برلن همین اتفاق افتاده. بعد از اینکه دیرکل حزب کمینست کردستان و همراهانش را به زندان بسته اند، يك نفر علاوه بر گویان نیر خلاص به آنها زده. جانی والراهای آلمانی و ستوان گنیمهای برلن از همینجا فحشده اند (با مجبور شده اند بپذیرند) که قاتل آخری، ایرانی بوده.

پس که يك رییس نمی توانست مخالفان خود را تحمل کند، قبیل اینهم که از رژیم نازک نارنجی حذف فیزیکی مخالفانشان را تنها راه مقابله با آنها می داند، اینهم قبیل اما اینکه يك رژیمی که اینهم تروریست تربیت می کند، يك تروریست اینهم می تربیت از آب دریا بد، حای گلاب دارد اینجا دیگر. آن دست او ایرانیان بی نشان می هم که گریند و ترور ساجه، ساجه، ساجه، ساجه.

کمتر کسی دوست دارد مخاطب دشنام و سفط و ناسزا باشد. هیچکس از فحش خیزدن خوشش نمی آید، حالا این فحش را روانه انوسبیلی که با سرعت رد می شود بدهد یا يك مزاحم نشینی یا يك لالت بی چاک دهی یا خدای نکرده، زبانم لال، هسر و شریک زندگی آدم! چه پرسد به اینکه بکسر با مسلسل زده باشد آدم را و الت و بار کرده باشد و نفر بعدی در حالی که تیر خلاص به به کله آدم می زند پتک مادر...

ساجه، گریستان ساجه، قتل رهبران کرد ساجه مربوط به حق دارند صدایشان دریابند که بی انصاف ها، ادب و نزاکت قاتل کجا رفته؟ همینطور است که آپروری ایران و اسرائیل در مجامع بین المللی و مطبوعات آلمانی بر باد می رود. هر بار که دادگاه تشکیل می شود، هر بار که خبری درباره صحنه ترور مخابره می شود، دوباره این فحش مادر... در کله اش پیدا می شود و کدام ایرانی است که در مقابل خارجی ها احساس شرم نکند از اینکه تروریست های کشورش، کسانی که برای وطن شان آزادی می خواهند، کسانی که برای قوم شان خودمختاری می خواهند، کسانی که دست اجانب را از شیخ و دیار خود کوتاه می خواهند این مادر...؟ (در کشتی بودنشان البته کسی شك ندارد.)

دادگاه هیگوتوس و بیخود دنبال قاتل می گردد. چه فرقی می کند که این باشد یا آن. گان. به نظر بنده دادگاه باید همه تلاشش بر این باشد که معلوم بشود مادر... کیت.